



## بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یزد (مورد مطالعه سال‌های ۱۳۹۴ - ۱۳۹۵)

پژمان ابراهیمی سیریزی<sup>a</sup>، سید علیرضا افشانی<sup>b</sup>، غلامرضا حسنی درمیان<sup>c</sup>

<sup>a</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
Pezhman.ebrahimic@yahoo.com

<sup>b</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران  
afshanalireza@yazduni.ac.ir

<sup>c</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
gh-hassani@um.ac.ir

### چکیده

طلاق، یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی است که افزایش آن در هر جامعه‌ای موجب اختلال در نظم و تعادل آن جامعه و بروز برخی از آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌شود. طلاق همانند سایر مسائل اجتماعی پدیده پیچیده‌ای است و نمی‌توان تنها یک یا چند عامل مشخص را علت بروز آن دانست، بلکه ممکن است در هر جامعه‌ای به فراخور شرایط و تغییرات اجتماعی آن، برخی از عوامل مهمتر و اساسی‌تر باشد. از این رو هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یزد می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شهروندان متأهل شهر یزد بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۸۴ نفر از آن‌ها انتخاب شدند. جهت انجام تحقیق و گردآوری داده‌ها از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. متغیر وابسته تحقیق، میزان گرایش به طلاق بود که ۵ متغیر مستقل شامل دخالت دیگران در زندگی زناشویی، برآورده نشدن انتظارات نقش همسری، اختلاف سن زوجین، شناخت همسر قبل از ازدواج و رضایت جنسی و عاطفی از همسر، در رابطه با آن آزمون گردید. نتایج تحقیق نشان داد که بین متغیرهای (دخالت دیگران در زندگی زناشویی، برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و اختلاف سن زوجین) با متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و بین متغیرهای (شناخت همسر قبل از ازدواج و رضایت جنسی و عاطفی از همسر) با متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه تحقیق نشان داد متغیرهای مستقل مجموعاً ۰/۲۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** گرایش به طلاق، دخالت دیگران در زندگی زناشویی، برآورده نشدن انتظارات نقش همسری، شناخت همسر قبل از ازدواج، رضایت جنسی و عاطفی از همسر



#### مقدمه

بیشتر جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید کرده‌اند و شاید هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نتواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵). بنابراین از آنجا که خانواده مهمترین نهاد جامعه و منشأ جامعه سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته کنکاش تحقیقات است. یکی از مسائل اجتماعی که در زمان معاصر اهمیت فزاینده‌ای یافته و ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده، مسأله طلاق و به تبع آن فروپاشی زندگی خانوادگی است. خانواده از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. و به همین دلیل است که جامعه شناس و جامعه شناسی نتوانسته خود را از توجه و علاقه به مطالعه خانواده و تحولات موجود در آن بر کنار نگه دارد و به همین جهت به نحوی از انحاء با این پدیده شگرف زیستی اجتماعی برخورد داشته و از زاویه معین و دیدگاهی خاص به مطالعه و تبیین آن پرداخته است. علاوه بر این، همگان حول این نکته توافق دارند که هیچ عصری مثل عصر ما، بشر درگیر این مسأله و آثار سوء ناشی از آن نبوده است (صداقت و اسدیان، ۱۳۹۳).

طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکلیفی ندارند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰). از نظر وایزمن، طلاق فرآیندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در رضایت زناشویی، از طریق جدایی، با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد (Weitzman, ۱۹۸۵).

میزان ازدواج و طلاق ثبت شده در مرکز آمار ایران بیانگر این نکته است که در سال‌های اخیر رشد طلاق همواره از میزان رشد ازدواج پیشی گرفته است. به همین علت، این پدیده اجتماعی در جامعه ما به عنوان یک چالش یا معضل جدی اجتماعی مطرح شده است. مروری بر آمار طلاق در طی سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ نشان دهنده روند رو به افزایش این معضل اجتماعی و همچنین، رشد فزاینده آن در منطقه مورد تحقیق (استان یزد افزایش ۱۰ و نیم درصدی) بیانگر آن است که هر چه شهرها مدرن‌تر شوند و ویژگی صنعتی بیشتری پیدا کنند، ضمن حل بسیاری از تضادهای جوامع پیشین، تعارض‌های جدیدی را خلق کرده است. تغییرات نوین اجتماعی بیشتر از آنکه در خدمت حفظ خانواده قرار گیرند، در جهت متلاشی شدن این نهادها قرار گرفته‌اند و این امر می‌تواند تأثیر عمیق در وضعیت سلامت افراد مطلقه، فرزندان و در نتیجه بر نهادهای اجتماعی داشته باشد و این خود نشان دهنده وضعیتی بحرانی است که ضرورت مطالعه برای پیشگیری و کاهش مهار طلاق را طلب می‌کند و نیز به علت اینکه تمامی آسیب‌های اجتماعی رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند و گسترش یکی ممکن است به گسترش دیگری کمک کند و از طرفی، به این علت که خانواده‌های زیادی درگیر این مشکل هستند، در نتیجه، ضرورت مطالعه و تحقیق در حوزه‌های مختلف پدیده طلاق همواره و پیش از پیش ضروری و لازم به نظر می‌رسد و محقق امیدوار است که با بررسی برخی علل و عوامل مؤثر بر این پدیده رو به گسترش و تزايد، بتواند راه‌هایی مناسب برای مقابله و مهار آن پیشنهاد نماید.

در این مطالعه نیز جهت آشنایی با مفاهیم و ابعاد متنوع موضوع مورد مطالعه و همچنین راهکارهای پیشنهادی محققین در زمینه طلاق، تعدادی از تحقیقات خارج و داخل کشور که در این زمینه صورت گرفته مرور شده است.



حاجی زاده میمندی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی "عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی در بین متأهلین شهر شیراز" پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان طلاق عاطفی در حد زیاد ۵۳/۸ درصد است و متغیرهای سبک زندگی سنتی و بهره‌مندی از کامپیوتر با طلاق عاطفی ارتباط معنادار و مثبت و متغیرهای سبک زندگی مدرن و بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی نیز ارتباط معنادار و منفی داشتند. همچنین، یافته‌های مستخرج از مدل رگرسیون چندگانه نشان داد که چهار متغیر سبک زندگی سنتی، سبک زندگی مدرن، کامپیوتر و سبک زندگی تظاهری توانستند متغیر ملاک (طلاق عاطفی) را تبیین کنند.

نبوی و همکاران (۱۳۹۵) به "تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجه به طلاق" پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد بین متغیرهای مستقل تحقیق (برآورده نشدن انتظارات، دخالت دیگران در زندگی، فشار مالی و فردگرایی) با گرایش زوجه به طلاق رابطه مثبت و دینداری زوجین، طول زندگی مشترک، پنداشت فرد از پایگاه خود با گرایش زوجه به طلاق رابطه منفی وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، نزدیک به ۰/۵۰ از واریانس گرایش به طلاق توسط متغیرهای تحقیق تبیین می‌شود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد متغیر فردگرایی و انتظارات زوجین از یکدیگر نسبت به سایر متغیرها در گرایش زوجه به طلاق نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

فولادی و شاه نعمتی گاوگانی (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان "بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی \_ تبریز" انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کلیه عوامل طلاق در چهار دسته جای می‌گیرد، که بیشترین درصد علل درخواست طلاق به ترتیب عبارتند از: عوامل اجتماعی (۰/۴۰)، عوامل شخصی \_ فردی (۰/۳۴)، عوامل اقتصادی (۰/۱۳) و عوامل فرهنگی (۰/۱۰) می‌باشند.

اسحاقی و همکاران (۱۳۹۱) به "سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران" پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از نظر مؤلفه‌های نظم اجتماعی، سرمایه‌های زوجین و همسان همسری بین دو گروه مورد مطالعه تفاوت معنادار آماری وجود دارد و این عوامل را می‌توان از جمله مؤلفه‌های مؤثر در گرایش زنان شهر تهران به طلاق محسوب نمود. در این تحقیق نتایج رگرسیون لجستیک جهت بررسی احتمال طلاق نیز نشان می‌دهد که احتمال رخ ندادن طلاق برای کسی که هم دارای نظم درون خانواده و هم دارای سرمایه‌های زوجینی و هم دارای نگرش منفی نسبت به طلاق است و نیز از همسانی زوجینی برخوردار می‌باشد ۵۹ درصد است و نیز بر عکس ۴۱ درصد احتمال دارد فردی که دارای این شرایط نیز میباشد، باز هم طلاق بگیرد.

والنزوالا و همکاران "ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت از ازدواج و نرخ طلاق در سراسر ایالات متحده آمریکا" را بررسی کردند. داده‌های پژوهش، نشان از محبوبیت بالای شبکه‌های اجتماعی در میان شرکت‌کنندگان بود. بر اساس نتایج پژوهش، استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث سردی روابط بین زوجین شده و بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و طلاق رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (Valenzuela et al, ۲۰۱۴).

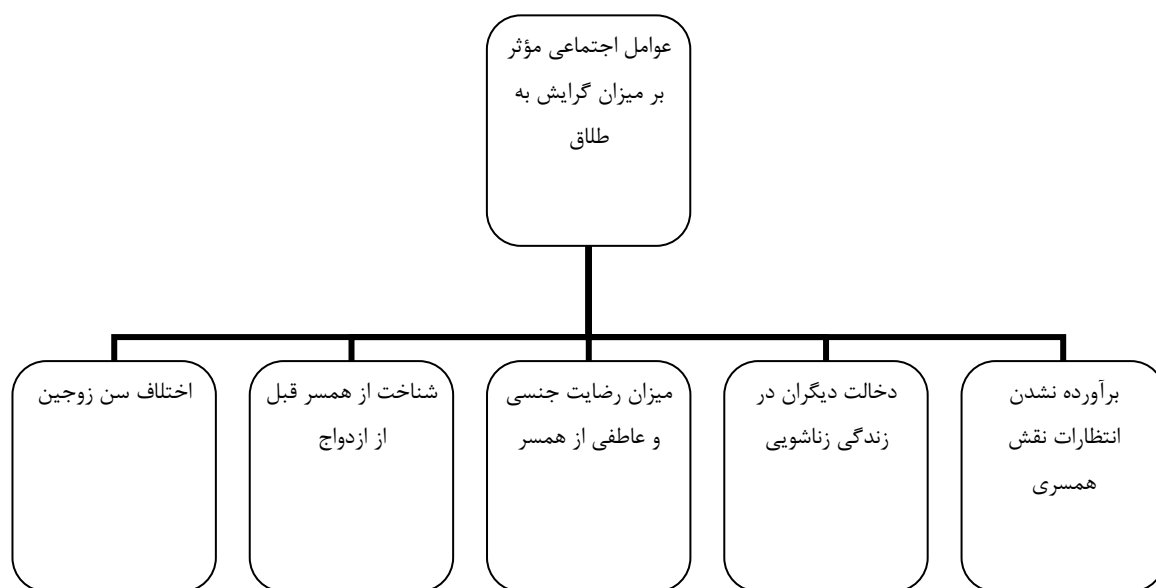
استینر و همکاران در تحقیق خود درباره زنانی که طلاق گرفته بودند، دریافتند سن، پایگاه اجتماعی اولیه و خیانت همسر بر سازگاری افراد با طلاق اثرگذار است (Steiner et al, ۲۰۱۱).

پولریک و ویلک در تحقیقی با عنوان "علل طلاق و جدایی و تأثیر آن بر بچه‌ها، زنان و مردان در استرالیا با هدف بررسی شیوه نگرشی به زندگی و ارتباط آن با طلاق" دست به تحقیق زدند. داده‌های به دست آمده نشان داد که هدف از زندگی و نحوه



نگرش افراد، نوع رفتار مرتبط با آن رفتار را در خانواده سازماندهی می‌کنند؛ به این معنا زوجینی که هدف از زندگی و نوع نگرششان به آن، خودنگری (اولویت اول در خانواده به خود دادن) نباشد؛ از بر آورده ساختن انتظارات دیگران فاصله می‌گیرند و در نتیجه وضعیتی را رقم می‌زند که خواسته‌های دیگران در آن نادیده و یا کم دیده باقی می‌مانند و لذا شاهد میزان گرایش به طلاق خواهیم بود (Policic and Weilok, ۲۰۰۴).

بنابراین این پژوهش درصدد است به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یزد بپردازد. امید است با ارائه نتایج و پیشنهادات این پژوهش گامی در خصوص کاهش میزان طلاق برداشته شود.



نمودار ۱. عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق

#### فرضیه های پژوهش

- ۱- بین برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد.
- ۴- بین شناخت از همسر قبل از ازدواج و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اختلاف سن زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد.

#### روش پژوهش

روش استفاده شده در این تحقیق، روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام شده است. از لحاظ نوع برخورد با موضوع و ورود به آن، رویکرد میدانی است. جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متأهل شهر یزد هستند. برای برآورد حجم نمونه



ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام شد تا پراکندگی صفت مورد مطالعه (گرایش به طلاق) مشخص شود و سپس با استفاده از فرمول کوکران با حداکثر واریانس، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود؛ به این صورت که ابتدا شهر به سه قسمت مناطق مرکزی، مناطق شمال و جنوب شهر بر حسب منطقه‌بندی شهرداری تقسیم بندی شد. سپس از هر منطقه، چند بلوک به تصادف انتخاب شده و در مرحله بعد از هر بلوک، ۲۰ درصد خیابان‌ها به طور تصادفی انتخاب شدند. از این میان مجدداً ۲۰ درصد کوچه‌ها انتخاب شد و با مراجعه به خانه‌ها به صورت یک در میان، اطلاعات مورد نیاز از افراد متأهل در این خانواده‌ها به دست آمد. برای اندازه‌گیری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد؛ به این صورت که محقق با مطالعه و تفحص درباره نحوه سنجش متغیرهای مستقل و وابسته و مطالعه تحقیقات پیشین، گویه‌های مربوط به متغیرها را ساخته است. برای بررسی اعتبار وسیله اندازه‌گیری، اعتبار محتوایی مد نظر بوده و برای بررسی پایایی گویه‌های موجود در وسیله اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ (با اجرای مطالعه اکتشافی به تعداد ۳۰ نفر) استفاده شده است. نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که همه گویه‌های مرتبط با متغیرهای مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند. زیرا حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤال‌ها ۰/۷ است. در نهایت، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss و علاوه بر توصیف داده‌ها، رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه انجام شده است.

جدول ۱. پایایی سوال‌های مربوط به متغیرهای مورد بررسی

| متغیر                           | تعداد مشاهدات | تعداد گویه | ضریب پایایی |
|---------------------------------|---------------|------------|-------------|
| برآورده نشدن انتظارات نقش همسری | ۳۰            | ۱۴         | ۰/۷۷۲       |
| دخالت دیگران در زندگی زناشویی   | ۳۰            | ۷          | ۰/۸۵۲       |
| رضایت جنسی و عاطفی از همسر      | ۳۰            | ۱۲         | ۰/۷۱۲       |
| شناخت از همسر قبل از ازدواج     | ۳۰            | ۱۰         | ۰/۷۸۴       |

#### یافته ها

##### یافته های توصیفی

بر اساس اطلاعات حاصل از تحقیق، تعداد پاسخگویان ۳۸۴ نفر هستند که از این تعداد ۲۱۰ نفر مرد و ۱۷۴ نفر زن بودند. از نظر سطح تحصیلات، از تعداد کل پاسخگویان ۲ درصد بیسواد، ۷ درصد ابتدایی، ۱۱ درصد راهنمایی، ۳۶ درصد دیپلم، ۱۲ درصد فوق دیپلم، ۲۷ درصد لیسانس و ۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر بودند. از نظر تفاوت تحصیلی زوجین، ۳۰ درصد از پاسخگویان از نظر سطح تحصیلی با همسرانشان تفاوتی نداشتند. ۳۷ درصد از پاسخگویان تفاوت تحصیلی‌شان با همسر کمتر از ۳ سال، ۲۵ درصد تفاوتشان بین ۴ تا ۶ سال، ۵ درصد بین ۷ تا ۹ سال و ۳ درصد از پاسخگویان بالای ۱۰ سال با همسرانشان از نظر سطح تحصیلی تفاوت داشتند. از نظر وضعیت اشتغال، ۰/۴۸ درصد دارای شغل آزاد، ۰/۳۹ درصد شغل دولتی و ۰/۱۳ درصد خانه دار بودند. همچنین از نظر تعداد فرزند، ۰/۶۵ درصد از پاسخگویان دارای یک فرزند، ۰/۱۷ درصد بین دو یا سه فرزند، ۰/۱۳ درصد بیشتر از سه فرزند و ۰/۵ درصد بدون فرزند بودند.



یافته های استنباطی

جدول ۲. همبستگی متغیرهای مستقل تحقیق با میزان گرایش به طلاق

| نتایج | سطح معناداری | ضریب همبستگی پیرسون | تعداد مشاهدات | فرضیات  |
|-------|--------------|---------------------|---------------|---|
| تأیید | ۰/۰۰۱        | ۰/۲۵۷               | ۳۸۴           | رابطه بین برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و میزان گرایش به طلاق     |
| تأیید | ۰/۰۰۱        | ۰/۵۹۳               | ۳۸۴           | رابطه بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی و میزان گرایش به طلاق |
| تأیید | ۰/۰۰۱        | - ۰/۴۲۳             | ۳۸۴           | رابطه بین میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر و میزان گرایش به طلاق    |
| تأیید | ۰/۰۰۱        | - ۰/۵۷۸             | ۳۸۴           | رابطه بین شناخت از همسر قبل از ازدواج و میزان گرایش به طلاق         |
| تأیید | ۰/۰۰۱        | ۰/۲۱۰               | ۳۸۴           | رابطه بین اختلاف سن زوجین و گرایش به طلاق                           |

اولین فرضیه تحقیق عبارت است از: بین برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که میزان همبستگی متغیر برآورد نشدن انتظارات نقش همسری با میزان گرایش به طلاق برابر با ۰/۲۵۷ است. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین این دو متغیر می‌باشد؛ به عبارت دیگر نتایج آزمون حاکی از آن است که با افزایش میزان برآورده نشدن انتظارات نقش همسری، میزان گرایش به طلاق نیز افزایش می‌یابد ( $P < ۰/۰۰۱$ ).

دومین فرضیه تحقیق عبارت است از: بین میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی و میزان گرایش به طلاق، به لحاظ آماری رابطه معناداری را نشان می‌دهد. طبق یافته‌های بدست آمده ضریب همبستگی برابر ۰/۵۹۳ است که همبستگی مثبت و مستقیمی را نشان می‌دهد و سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ است که نشان می‌دهد این متغیر در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. بر حسب میزان ضریب همبستگی می‌توان گفت هر چه میزان دخالت دیگران در زندگی زناشویی افزایش پیدا کند، به میزان گرایش به طلاق افزوده خواهد شد.

سومین فرضیه تحقیق عبارت است از: بین میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد. طبق یافته‌های بدست آمده ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۴۲۳ - و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ است که نشان می‌دهد رابطه معنادار و معکوسی بین دو متغیر وجود دارد. بر حسب میزان ضریب همبستگی می‌توان گفت که با افزایش میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر، از میزان گرایش به طلاق کاسته خواهد شد.

چهارمین فرضیه تحقیق عبارت است از: بین شناخت از همسر قبل از ازدواج و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد. نتایج آزمون حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر شناخت از همسر قبل از ازدواج با میزان گرایش به طلاق برابر با ۰/۵۷۸ - با سطح معناداری ۰/۰۰۱ است که نشان دهنده رابطه معنادار و معکوس بین دو متغیر می‌باشد. بر حسب میزان ضریب همبستگی می‌توان گفت هر چه شناخت از همسر قبل از ازدواج افزایش یابد، از میزان گرایش به طلاق کاسته خواهد شد.



و در نهایت پنجمین فرضیه تحقیق عبارت است از: بین اختلاف سن زوجین و میزان گرایش به طلاق رابطه وجود دارد. نتایج آزمون حاکی از آن است که میزان همبستگی بین سن زوجین و میزان گرایش به طلاق  $0/210$  با سطح معناداری  $0/001$  می‌باشد که نشان دهنده رابطه مثبت و مستقیم بین دو متغیر است. بدین معنا هر چه اختلاف سن زوجین بیشتر باشد، میزان گرایش به طلاق نیز افزایش خواهد یافت.

### تحلیل رگرسیون چند متغیره

جدول ۳. ضریب تعیین رگرسیون چندمتغیره

| ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین تصحیح شده |
|----------------------|------------|----------------------|
| $0/367$              | $0/235$    | $0/229$              |

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی چندگانه ( $0/367$ ) بدین معناست که متغیرهای مستقل داخل معادله به طور همزمان  $0/36$  با متغیر میزان گرایش به طلاق (متغیر وابسته) ارتباط دارند. ضریب تعیین بدست آمده نشان می‌دهد ۲۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (میزان گرایش به طلاق) از طریق متغیرهای مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود و ۷۷ درصد باقی مانده را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از این بررسی قرار دارند. جدول ۴ به منظور تعیین مقدار تأثیر و معناداری تی برای متغیرهای داخل مدل ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب تحلیل رگرسیون چندگانه

| متغیرها                  | بتا      | خطای استاندارد | ضریب بتا | مقدار تی | سطح معناداری |
|--------------------------|----------|----------------|----------|----------|--------------|
| مقدار ثابت               | $31/546$ | $2/438$        | -        | $5/008$  | $0/001$      |
| دخالت دیگران             | $1/032$  | $0/179$        | $0/285$  | $5/396$  | $0/001$      |
| شناخت همسر قبل از ازدواج | $6/384$  | $1/635$        | $-0/181$ | $3/875$  | $0/001$      |

نتایج منعکس شده در جدول ۴ نشان می‌دهد از بین ۵ متغیر بررسی شده که همزمان وارد معادله رگرسیونی شدند، دو متغیر با میزان گرایش به طلاق رابطه معنادار داشتند و متغیرهایی که با متغیر وابسته رابطه معنادار نداشتند، از مدل حذف شدند. در بین متغیرهای وارد شده در معادله که با متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه معنادار داشته‌اند، متغیر دخالت دیگران در زندگی زناشویی با ضریب بتای  $0/285$  مهمترین پیش‌بینی کننده گرایش به طلاق بوده است. پس از این متغیر، متغیر شناخت همسر قبل از ازدواج با ضریب بتای  $-0/181$  - به عنوان تأثیر گذارترین متغیر در تبیین متغیر گرایش به طلاق نقش داشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

طلاق، یکی از آسیب‌های اجتماعی است و هنگامی که در جامعه آمار طلاق افزایش یابد، نهاد خانواده کارکردهای ضروری اجتماعی خود را از دست می‌دهد و پیامدهای منفی فراوانی برای جامعه به بار خواهد آورد. در پژوهش حاضر سعی شده است عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یزد بررسی و ارزیابی شوند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که دخالت دیگران در زندگی زناشویی، با ضریب همبستگی  $0/593$ ، قوی‌ترین همبستگی را با متغیر گرایش به طلاق داشت و در اولویت‌های بعد متغیرهای شناخت همسر قبل از ازدواج، رضایت جنسی و عاطفی از همسر، برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و اختلاف سن زوجین



بیشترین همبستگی را با متغیر میزان گرایش به طلاق داشتند. نتایج فرضیات تحقیق نشان داد که بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته (گرایش به طلاق) رابطه معناداری مشاهده گردید. نتیجه فرضیه اول تحقیق نشان داد که بین برآورده نشدن انتظارات نقش همسری و گرایش به طلاق رابطه مستقیمی وجود دارد بدین معنا که با افزایش برآورده نشدن انتظارات، میزان گرایش به طلاق افزایش خواهد یافت که این یافته با تحقیقات (غیائی و همکاران ۱۳۸۹، ریاحی و همکاران ۱۳۸۶) همسو است. نتیجه فرضیه دوم تحقیق نشان داد که بین میزان دخالت دیگران و گرایش به طلاق رابطه مستقیمی وجود دارد به عبارت دیگر هر چه میزان دخالت اطرافیان در زندگی زناشویی افزایش پیدا کند، احتمال گرایش به طلاق افزایش خواهد یافت. این یافته تأیید کننده تحقیقات (عابدینی ۱۳۹۵، فخرائی و حکمت ۱۳۸۹) می‌باشد. نتیجه فرضیه سوم تحقیق نشان داد بین میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر و گرایش به طلاق رابطه معکوسی وجود دارد بدین معنا هر چه میزان رضایت جنسی و عاطفی زوجین از یکدیگر افزایش یابد، از میزان گرایش به طلاق کاسته خواهد شد. این یافته با تحقیقات محققانی نظیر (مختاری و همکاران ۱۳۹۳، شاه سیاه و همکاران ۱۳۸۸) همسو می‌باشد. نتیجه فرضیه چهارم تحقیق نشان داد که بین شناخت از همسر قبل از ازدواج و گرایش به طلاق رابطه معکوس معناداری وجود دارد بدین معنا که هر چه میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج افزایش یابد از میزان گرایش به طلاق کاسته خواهد شد. این یافته با تحقیقات (غیائی و همکاران ۱۳۸۹، نوایی نژاد ۱۳۸۰) همسو است. در نهایت نتیجه فرضیه پنجم تحقیق نشان داد که بین اختلاف سن زوجین و گرایش به طلاق رابطه مستقیمی وجود دارد یعنی هر چه اختلاف سن بین زوجین افزایش پیدا کند، احتمال گرایش به طلاق نیز در بین آنان افزایش خواهد یافت که این یافته با تحقیق (ولد خانی و همکاران ۱۳۹۵) همسو بود. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه تحقیق نشان داد که  $0/23$  درصد از تغییرات متغیر وابسته (گرایش به طلاق) توسط متغیرهای مستقل تحقیق قابل تبیین می‌باشند و متغیرهای دخالت دیگران در زندگی زناشویی با ضریب بتای  $0/285$  و شناخت از همسر قبل از ازدواج با ضریب بتای  $0/181$  - به عنوان مهمترین عوامل اجتماعی مؤثر در میزان گرایش به طلاق شناخته شدند.

با عنایت به نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌گردد (۱) زمینه‌های عملی کاهش حضور و دخالت اخلاص‌گرایانه اطرافیان در زندگی زوجین در مقابل افزایش حضور کارشناسان خانواده برای ارائه مشاوره به زوجین دارای اختلاف طراحی گردد. (۲) فراهم آوردن بسترهای مناسب و مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی برای شناخت دقیق‌تر مردان و زنان از یکدیگر در مراحل ازدواج، به منظور شناسایی شباهت و تفاوت‌های فکری، عقیده‌ای و رفتاری. (۳) از آنجا که انتظارات و برآورده ساختن آن عامل بسیار مهمی در زندگی زناشویی است و در تحقیق حاضر نیز ماهیت تأثیرگذاری آن تأیید شد، لذا پیشنهاد می‌شود که در ضمن انجام مراحل مقدماتی ازدواج (از قبیل آزمایش‌های پزشکی، مشاوره و ...) یک کارگاه آموزشی برای شناخت انتظارات و نحوه برآورده ساختن آن برای متقاضیان، بسان ازدواج در حد مطلوب توسط کارشناسان مسائل خانواده برگزار شود. (۴) اجباری کردن آموزش‌های قبل از ازدواج، به منظور تحکیم بنیان خانواده می‌تواند به شناخت آگاهانه و کسب رضایت جنسی و عاطفی افراد کمک نماید.

## منابع

اسحاقی، محمد، محبی، سیده فاطمه، پروین، ستار و محمدی، فریبرز، سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، ۹۷-۱۲۴

حاجی زاده میمندی، مسعود، مداحی، جواد، کریمی، یزدان، حدت، الهه و غروری، ملینا، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی (مطالعه موردی متأهلین شهر شیراز)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره هیجدهم، شماره هفتاد و یک، بهار ۱۳۹۵،





ریاحی، محمد اسماعیل، علیوردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش، تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)، مجله پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۶، ۱۴۰-۱۰۹

ساروخانی، باقر، ۱۳۷۵، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش

شاه سیاه، مرضیه، بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک، بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا، مجله اصول بهداشت روانی، دوره یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ۲۳۸-۲۳۳

صداقت، کامران و اسدیان، عقیل، تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق (مطالعه موردی: شهرستان قائم شهر)، مجله جامعه شناسی کاربردی، دوره بیست و پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳، ۱۱۶-۹۷

عابدینی، صمد، بررسی تأثیر مقدار دخالت اطرافیان و طرفداری از خانواده پدری بر مقدار دلسردی از زندگی با همسر: مورد مطالعه زوجین شهر تبریز، مجله ویژه نامه زن و جامعه، دوره هفتم، زمستان ۱۳۹۵، ۸۳-۶۹

غیائی، پروین، معین، لادن و روستا، لهراسب، بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز، مجله زن و جامعه (جامعه شناسی زنان)، دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹، ۱۰۳-۷۷

فخرائی، سیروس و حکمت، شرمین، عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت درخواست طلاق از سوی زنان شهرستان سردشت، مجله زن و مطالعات خانواده، دوره دوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۸۹، ۱۲۰-۱۰۳

فولادی، اصغر و شاه نعمتی گاوگانی، نویده، بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی \_ تبریز، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، ۱۱۳-۸۹

کلانتری، عبدالحسین، روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه، آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰-۱۳۷۶)، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، ۱۳۱-۱۱۱

مختاری، مریم، میر فردی، اصغر و محمودی، ابراهیم، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج، مجله جامعه شناسی کاربردی، دوره بیست و پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳، ۱۵۷-۱۴۱

نبوی، عبدالحسین، رضادوست، کریم، مجتهد زاده، سحر و شهریاری، مرضیه، تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش زوجه به طلاق، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره پنجم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۵، ۲۹۵-۲۸۱

نوابی نژاد، شکوه، ۱۳۸۰، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان

ولد خانی، مریم، محمود پور، عبدالباسط، فرح بخش، کیومرث و سلیمی بجزستانی، حسین، تأثیر سن ازدواج، الگوهای همسرگزینی و تفاوت سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی زنان شهر تهران، فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی، دوره هفتم، شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۵، ۱۹۰-۱۷۳

Poleric, A. And Weilok, L. (۲۰۰۴). Cause of Divorce and Effect on Children in Australia, Journal of Sociology Australia. December, Vol. ۱۲, No. ۱۱, ۳۹۷- ۴۰۲.

Steiner, L. M., Suarez, E. C., Sells, J. N., And Wykes, S. D. (۲۰۱۱). Effect of age, initiator status, and infidelity on women's divorce adjustment. Journal of Divorce & Remarriage, ۵۲(۱), ۳۳-۴۷.

Valenzuela. S., Halpern, D., And Katz J. E. (۲۰۱۴). Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States. Computers in Human Behavior, ۳۶, ۹۴-۱۰۱.

Weitzman, L. J. (۱۹۸۵). The divorce revolution: The unexpected social and economic consequences for women and children in America.